

# مطالعه تطبیقی پوشاک زنان در نگاره‌های دوره تیموریان

خدیجه‌بختیاری

کارشناس هنر دفتر تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش

## چکیده

مقاله پیش‌رو با هدف بررسی تطبیقی پوشاک زنان در دوره تیموریان و ارتباط آن با ادوار تاریخی گذشته و تأثیرات فرهنگی خاور دور بر تن‌پوش‌ها، به‌ویژه تن‌پوش زنان، نوشته شده است. در این مسیر برای روشن شدن برخی پیوندهای تاریخی در هنر پوشاک، به پیشینه‌های این تأثیرات و روند تغییرات سیاسی و اجتماعی ایران، که به نوبه خود تغییر در فرهنگ پوشاک را در پی داشته نیز پرداخته شده است. همچنین، ضمن گنجاندن، تصاویر، به ویژگی‌های پوشاک زنان در دوره تیموریان به تفکیک اجزا و عناصر اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: پوشاک زنان، تیموریان، تأثیرات فرهنگی، فرهنگ ایران

## مقدمه

گچبری، شاهد نوعی رویکرد تلفیقی در پوشاک زنان با پوشاک و فرهنگ و هنر یونانی هستیم. این تغییرات در دوره اشکانیان با روندی کند و آرام ادامه یافت؛ تا اینکه پس از سه قرن، اقوام پارس در جنوب غربی ایران حکومت را به دست گرفتند. آن‌ها چون خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند، بازگشت هنری به دوران هخامنشیان را رقم زدند. این مقدمه از آن نظر لازم بود آورده شود که موضوع مورد پژوهش این مقاله، به دوره‌ای از پوشاک دوران اسلامی می‌پردازد که ادامه روند منطقی (هم به لحاظ فرم و جنس و هم به لحاظ طرح و رنگ و دوخت) هنر تولید پارچه و پوشاک ساسانیان است.



نمونه‌ای از پوشاک زنان در دوره ساسانی، بیشاپور، موزاییک کاری کف ایران، سده سوم میلادی

تاریخ سرزمین ایران با کشاکش‌ها، جنگ‌ها و هجوم‌ها پیوند خورده است. در این رهگذر، فرهنگ اقوام ایرانی دستخوش تحولات بسیاری شده که گاه دامنه آن تا هنرها و صنایع نیز کشیده شده است. از آن جمله تغییرات در انواع پوشاک مردمان است و به‌ویژه این تحولات ساختاری یا عقیدتی، تأثیرات خود را به‌صورت چشم‌گیرتری در لباس زنان نمایان ساخته است. تغییرات مزبور گاه با روندی کند و در برخی دوره‌ها با رشدی سریع روی داده‌اند. برای مثال، فرهنگ و هنر دوره هخامنشی و نیز پوشاک آنان (موضوع مورد نظر این مقاله)، با حمله اسکندر (۳۳۰ تا ۳۳۳ ق.م) به ایران، سپرده شدن ایالت‌های ایرانی به افسران یونانی، دستخوش تحولات فراوان در خط، کتابت، نقش برجسته‌ها، پوشاک و... شد و تا هنگامی که پارت‌ها پس از ۱۵۰ سال، با سیاست و راهبرد خاص خود توانستند حکومتی ایرانی تأسیس کنند، یعنی در حدود یک قرن و نیم، پوشاک ایرانی از نظر شکل و تزیینات دچار شلوغی شد. تن‌پوش‌ها از نظر برش و دوخت انسجام نداشتند و از این نظر تفاوت فاحشی با پوشاک دوره هخامنشی داشتند (غیبی، ۱۳۸۴).

همچنین، براساس برخی از نقش‌های باقی‌مانده از این دوره، مانند نقاشی‌های کوه خواجه و نقش‌های

از آنجا که پوشاک هم صنعت است و هم هنر، هم تجارت است و هم فرهنگ و هویت، از یک سو با پارچه هم‌نواست و از سوی دیگر با دستان بافنده هماهنگ. هم با دستان خیاط هم‌آواز است و هم با قلم نگارگر هم داستان، پس بی‌دلیل نیست که نگاره‌های ادوار گوناگون، با رنگ و طرح و نقش و فرمی بدیع و چشم‌نواز بیننده را خیره و حیران می‌سازند و به تحسین وامی‌دارند. این نوشتار می‌کوشد در این مسیر پررمز و راز به تغییرات تحولات این هنر بپردازد.

ویل دورانت می‌گوید: «... آسایش حاصل از تمدن موجب غلبه اقوام وحشی بر مردم متمدن می‌شود» (رهنورد، ۱۳۸۶).

حکومت تیموریان (۶۵۶ ه.ق) پس از آنکه اقوام مغول تقریباً بر سراسر ایران مسلط شدند، به‌وجود آمد. در این دوره، اقوام مغول که از قلب آسیای مرکزی آمده بودند، دیگر قومی وحشی و ستیزه‌جو نبودند. آنان بر سرزمین پهناوری حکم می‌راندند که پیش از آن و از آغاز دوره اسلامی، حدود ۵۰۰ سال با فرهنگ و هنر اسلامی عجین شده بود.

در ابتدای استقرار آنان، مناطق شمال شرقی و شمالی ایران (بلخ، هرات، نیشابور و گرگان) از مراکز تمدنی بودند که ویران شدند و این به تعطیلی و سقوط کارخانه‌های تولیدکننده پارچه انجامید اما در طول حکومت تیموریان و آشنایی تدریجی آن‌ها با هنر و صنایع ایرانی، فرهنگ و هنر ایرانی کم‌کم جانی دوباره گرفت. در ادامه، از طریق مبادلات سیاسی و تشکیل سفارت‌خانه‌های گوناگون بین ایران و دولت‌های مختلف و به‌ویژه چین، روابط گسترده‌ای شکل گرفت و آن‌گاه در چارچوب مبادلات فرهنگی و تجاری، یکی از کالاهایی که مورد توجه قرار گرفت، پارچه بود که خود موجب نفوذ فرهنگ پوشاک اقوام آسیای شرقی به ایران و برعکس شد.

برای آنکه با پوشاک این دوره از تاریخ ایران آشنا شویم، ابتدا لازم است به برخی از عناصر آن اشاره کنیم. این عناصر به‌طور مشخص در نگاره‌های این دوره دیده می‌شوند. بدون شک یکی از منابع مهم و قابل استناد، نقاشی‌های کمال‌الدین بهزاد است. بنابراین، برای ورود به این بخش باید مکاتب نقاشی دوره تیموریان را نیز در نظر بگیریم.

پس از تصرف سمرقند در سال ۷۷۱ توسط امیر تیمور گورکانی، این شهر پایتخت و از مراکز مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تیموریان شد. سپس در زمان شاهرخ پسر تیمور، «مسجد گوهرشاد» ساخته شد و آن‌گاه پسرش بایسنقر میرزا، که خود ذوق هنری داشت، دست‌نور داد کتاب «شاهنامه»



قیاهای آستین بلند، قرن هشتم - نهم هجری



قیاهای سه ربعی بانوان



قسمتی از یک نقاشی مربوط به قرن هشتم و نهم هجری



طرح دو نوع پیراهن بانوان، قرن هشتم و نهم هجری

مصور شود که به شاهنامه بایسنقری شهرت یافت. این اثر در کنار دیگر کتاب‌هایی که در این دوره مصور شدند، چگونگی پوشش ایرانیان را در دوره تیموری نشان می‌دهد.

در اواخر دوره تیموریان و در دربار حسین بایقرا، کمال‌الدین بهزاد که کارگاه نقاشان دربار زیرنظر و مدیریت وی اداره می‌شد، به مصور کردن «بوستان» سعدی و نسخه‌های از کتاب *خمسه نظامی* پرداخت که نه تنها از شاهکارهای مکتب هرات در این دوره هستند، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب نقاشی و استمرار آن تا عصر صفویان می‌شوند. با مشاهده و مطالعه نگاره‌های این دوره، در بسیاری موضوعات از جمله پوشاک می‌توان به اطلاعات تاریخی دست یافت. زیرا کمال‌الدین بهزاد علاوه بر نمایش درباریان، به بازنمایی زندگی و کار مردم عادی در حوزه‌های شغلی متفاوت نیز پرداخت؛ از جمله کارگران ساختمانی، ارباب‌ها، خدمتکاران دربار، شاهزادگان، گدایان و... «این نگاره‌ها تن‌پوش بیشتر طبقات اجتماعی را در آن دوران به ما می‌نمایاند.» (چیت‌ساز، ۱۳۷۹)

اما این پوشاک شامل چه عناصر و اجزایی هستند؟ به‌طور کلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پیراهن بلند
- پیراهن زیر
- قبا یا تن‌پوش رو
- جبه
- عبا و ردا
- شلوار
- کمربند و شال و دستکش
- کلاه
- دستار یا عمامه (برای مردان)
- تاج
- چادر (برای زنان)
- روسری یا لچک (برای زنان)
- مقنعه (برای زنان)

برای آشنایی با پوشاک زنان در این دوره باید به این موضوع مهم نیز اشاره کرد که براساس پژوهش‌ها و شواهد تاریخی که توسط مورخان به ثبت رسیده، جایگاه زنان در دربار مغولان به مراتب از وضعیت زنان در دربار اعراب آزادانه‌تر بوده است. شاهد این مدعا مناصب برخی از زنان در این دوره است (مقام اتابکی ترکان خاتون در فارس). این ویژگی در پوشاک آنان نیز مشهود است، به‌طوری که ما در نگاره‌ها با انواع پوشش، چه حجاب روسری و چادر و چه بدون آن‌ها، مواجهیم. در برخی از این نگاره‌ها زنان حتی در مراسم درباری نیز حضوری آشکار و ویژه دارند.

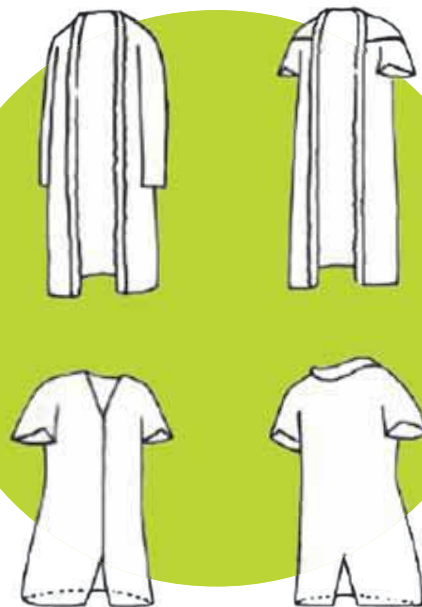


## پوشاک زنان



۱. پیراهن زیر: با یقه گرد ساده و از پارچه‌های گل‌دار یا ساده در رنگ‌های روشن و تیره

۲. پیراهن بلند: از پارچه‌های حریر با نقش‌های زیبا و در برخی موارد با یقه باز، یقه پیچازی که روی آن زری دوزی شده است، با دامن که اغلب جلو آن پیلی‌دار است، و با آستین‌های بلند یا کوتاه.  
 ۳. قبا: با آستین‌های بلند و کوتاه و نقش‌های تزئینی بسیار زیبا. بلندی قبا گاه تا مچ پا می‌رسیده و مانند پیراهن، یقه‌های برگردان و زری‌دوزی و قلاب‌دوزی شده داشته است.



۴. جبه: قبایی بسیار گشاد که همانند نوعی روپوش یا شنل بود و تمام بدن را دربرمی‌گرفت و بیشتر برای زنان دربار بود با تزئیناتی در لبه‌های جلو یقه.

۵. پوشش سر: پوشش سر زنان در این دوره شامل انواع کلاه، تاج کلاه، شال، روسری، عرق‌چین، مقنعه، روبنده و چادر بوده است. در برخی از پژوهش‌های مورخان و سفرنامه‌ها، به روبنده‌های شفاف با تزئینات منجوق و جواهر و نیز به شال‌هایی که کاربردی مانند دستمال گردن داشته‌اند، اشاره شده است.



چادرها معمولاً بلند و به رنگ سفید بوده‌اند، در کتاب مصور «جامع التواریخ»، تصویر زنی کلاه بر سر دیده می‌شود و در کتاب خمسه نظامی، انواع پوشش‌های سر را می‌توان دید.



آنچه در این نگاره‌ها و به‌ویژه در پوشاک زنان قابل توجه است، نقش پارچه و تنوع آن، هم از لحاظ رنگ و هم از نظر جنس است. نکته مهم دیگر تأثیرپذیری از هنر پارچه‌بافی چین (دوزهای سونگ و یوان) از نظر جنس (کاربرد نخ‌های ابریشمی در بافت پارچه) و تأثیرپذیری از نقش‌های دوره ساسانی در البسه است. اگر به تاریخ ابتدای یورش مغولان بازگردیم، خواهیم دید که در آن دوره زنان همانند مردان لباس‌های ساده و تقریباً کم‌تنوعی می‌پوشیدند. سپس با گذشت دهه‌ها از حکومت آنان و دستیابی به ثروت‌های بی‌کران تمدن‌های چین و ایران و امتزاج فرهنگی با ایرانیان و آموزش مناسبات دربار، کم‌کم توجه آنان به فرهنگ پوشاک اقوام ایرانی جلب می‌شود؛ تا آنجا که در مبادلات فرهنگی با سایر دولت‌ها، به هدیه دادن و هدیه گرفتن لباس و پارچه می‌پردازند.

این تأثیرات آرام‌آرام تغییراتی را در شکل و چگونگی پوشاک (در اینجا پوشاک زنان) به دنبال دارد. به باور برخی از صاحب‌نظران، آهنگ این تغییرات در کاربرد پوشاک و روش پوشیدن آن‌ها بسیار کند است اما با توجه به نقاشی‌های به‌جای مانده از این دوره، شاهد تغییرات مهمی در نقوش تزئینی به کار رفته در انواع پوشش‌ها هستیم. برای مثال، در تاج‌کلاه زنان در قرن دهم ه. ق. شاهد به کارگیری تزئینات فلز و جواهر هستیم که قبلاً در تاج‌های دوره ساسانی

به کار می‌رفت یا در نگاره‌ها به تزئینات کمربندهایی از روکش طلا و روبندهایی که با جواهرات، مروارید و منجوق مرصع شده‌اند، مواجه می‌شویم.

از دیگر تغییرات آشکار و تحولات پوشاک در دوره تیموریان، پوشش سر زنان و انواع آن است. در ابتدای این دوره به دلیل فرهنگ مغولی، زنان کمتر در قید حجاب اسلامی بودند؛ به طوری که فرمانروای هرات قوانینی وضع می‌کند که به لزوم رعایت حجاب اشاره دارند (کاکس و ترنر، ۱۳۷۲). در دوره‌های بعدی به گواه نگاره‌های آن، پوشش زنان در مکان‌های عمومی متفاوت از محفل‌های خصوصی بوده است.



در پی هجوم مغولان به سرزمین ایران، پوشاک مردم متناوباً دستخوش تغییراتی شده است، با این حال با بررسی نگاره‌های دوره تیموری شاهد نوعی شباهت معنادار پوشاک زنان این دوره و دوره‌های پیشین هستیم. مثلاً قباهای بلند بر تن زنان این دوره از همان نوعی است که آن‌هیتای طاق بستان به بر دارد. البته نباید فراموش کرد که به هر حال گذشت زمان و بهره‌مندی از تحولات تکنیکی و فناوری‌های هر دوره، کاربرد وسیع‌تر و مناسب‌تری از مواد و ابزار را در طرح و دوخت پوشاک به همراه داشته است.

مسلم است که تغییرات اجتماعی-سیاسی هر دوره‌ای از زندگی ایرانیان، تأثیراتی انکارناشدنی بر زندگی آن‌ها داشته‌اند و به موجب آن، تغییرات فرهنگی نیز پدید آمده‌اند که یکی از نمودهای ظاهری آن، پوشش اقوام و پوشاک خاص هر دوره است اما ایرانیان به واسطه فرهنگ و تمدن کهن خویش، همواره تلاش کرده‌اند پس از گذراندن دوران سخت و عبرت‌آموز شکست‌ها و هجوم فرهنگ بیگانه، به تدبیر خردمندانه‌ای دست یابند تا آگاهانه با تلفیق میراث گذشتگان خویش در زمینه علوم و دانش‌های کاربردی و نکات برجسته

فرهنگ اقوام و ملل دیگر، با رویکردی کاربردی دست به آفرینش‌های جدید بزنند و چراغ علم و دانش، و فرهنگ و هنر را از خاموشی محافظت کنند.

گواه این مدعا حضور وزیران ایرانی در دربار اعراب و مغولان در سده‌های متمادی است که هوشمندان از فرهنگ و هنر ایرانی مراقبت کردند. پوشاک نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. امتداد و استمرار شکل و فرم ادوار کهن در پوشاک زنان در دوره‌های تاریخی به رغم تغییر در جزئیات، نشانگر نوعی تلفیق هوشمندانه میان عناصر باستانی و عناصر جدید راه‌یافته از اقوام و ملل گوناگون است.

ما با نگاه کردن به نگاره‌های دوره تیموری در زیبایی‌ها، ظرافت‌ها و نوآوری‌هایی بی‌بدیل در طرح، نقش و جنس پارچه و دوخت و تزئینات الحاقی آن غرق می‌شویم که نه تنها چشم‌نوازند بلکه در مواردی خیره‌کننده و تحسین‌برانگیزند. این شاید همان رهنمودی است که در دوران معاصر و در زمان حال باید مورد توجه طراحان مد و لباس باشد تا با بهره‌گیری از این میراث غنی، طرح‌های نو و خلاقانه، چه در طراحی پارچه و چه در طراحی لباس و دوخت، پدید آورند تا شاهد فصلی نو در پوشاک، به‌ویژه پوشاک زنان، باشیم.

### منابع

۱. غیبی، مهرآسا؛ تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، هیرمند، تهران، ۱۳۸۴.
۲. رهنورد، زهرا؛ تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۳. چیت‌ساز، محمدرضا؛ تاریخ پوشاک ایرانیان (از ابتدا تا حمله مغول)، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
۴. کاکس، ویل و ترنر، روت؛ تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگ‌مهر، توس، تهران، ۱۳۷۲.
۵. شریف‌زاده، عبدالمجید؛ تاریخ نگارگری ایران، سمت، تهران، ۱۳۷۵.
۶. پاکباز، روین؛ نقاشی ایران از دیرباز تا کنون، زرین و سپمین، تهران، ۱۳۸۶.
۷. ضیاپور، جلیل؛ پوشاک زنان ایران (از کهن‌ترین زمان)، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۴۵.
۸. شریعت پناهی، سیدحسام‌الدین؛ اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، قوس، تهران، ۱۳۷۲.
۹. دهقان حسام‌پور، زینب؛ لباس زنان در عهد مغول، سایت مطالعات ایران، ۱۳۹۱.
۱۰. مقدس جعفری، محمدحسن و نجفی اصل، عبدالله؛ پوشش ایرانیان، مجله مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ۱۳۸۳.
۱۱. شیرازی مهاجر، فائقه؛ پوشاک زنان در دوران تیموریان، بخش مطالعات خاورمیانه دانشگاه تگزاس، ۱۹۹۱.